

بررسی مردم‌شناختی ورزش باستانی زورخانه‌ای

دکتر عسکری نوری^۱
حشمت‌الله طاهری خوشنوی^۲

چکیده

ورزش باستانی که تاریخ دقیق پیدایش آن معلوم نیست، ورزشی سراسر شکوه و ایثار و نوآوری و تلاش است که باعث تقویت روحی و اخلاقی و موجب رشد و سلامت قوای جسمانی باستانی‌کاران می‌شود. ورزش باستانی ورزش اصیل ایرانی و ترکیبی از پهلوانی، جوانمردی و سلامتی و شادابی روح و جسم است و تنها ورزشی است که با دعا شروع و با دعا ختم می‌شود. ورزش زورخانه‌ای با عیاران رابطه‌ای دیرین دارد و هر دو، از ابتدای پیدایش فتوت و اخوت را تا امروز آیین خویش ساخته‌اند. پهلوانان در تاریخ ایران در سه کسوت کشتی‌گیر، عیار و شاطر ظاهر شده‌اند. ورزشکاران ورزش باستانی زورخانه‌ای دارای رتبه‌بندی خاصی هستند: تازه‌کار، نوچه، نوخاسته، ساخته و پیش‌کسوت، پهلوان، پیش‌قدم، صاحب‌زنگ، صاحب‌ضرب و صاحب‌تاج. این ورزش دارای ترتیب خاصی است و آیین‌های بی‌شمار و دستگیرانه‌ای در آن شکل گرفته که تعدادی از آنها هنوز به قوت خود باقی است.

کلیدواژه‌ها: زورخانه، پهلوان، عیار، گود، مرشد

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۲. کارشناس ارشد مردم‌شناسی

مقدمه

ورزش زورخانه‌ای از ورزش‌های فرهنگی است که مظلوم مانده و قدمتش اگر از ووشو، کاراته، فوتبال و گلف بیشتر نباشد قطعاً کمتر هم نخواهد بود. متأسفانه روش‌های ارائه نامطلوب این ورزش، همچنین بهره‌برداری سیاسی و نیز فرهنگی از آن، از گذشته تاکنون موجب گردیده است که نه تنها از مرزهای جغرافیایی کشور بیرون نرود حتی در درون کشور نیز مهجور بماند.

ورزش باستانی، ورزش اصیل ایرانی و ترکیبی از صداقت، تقوا، جوانمردی، پهلوانی، سلامتی و شادابی روح و جسم است و تنها ورزشی است که با دعا شروع و با دعا ختم می‌شود.

در ایران باستان، ورزش، اساسی‌ترین کار روزانه و ضروری‌ترین کار هر فرد و شایسته‌ترین عامل سربلندی و سرفرازی جوانان بود؛ نیرومندی، افتخار و احترام به بار می‌آورد و از مقدم مردانی که از میدان مسابقات و صحنه‌های خونین پیکار پیروز و فاتح برمی‌گشتند همه جا و همیشه با شور و شوق عمومی استقبال می‌گردید.

در کتاب مینو خرد پهلوی راه در هم شکستن قوای اهریمنی به این وسیله توصیه گردیده که ایرانیان روح دانش را پشتیبان خود نمایند و جامه اطمینان را بر تن کنند و سپر راستی را در دست گیرند و با گرز شکرگزاری^۱ و کمان آمادگی^۲ با آنچه از اهریمن است بچنگند.

دلیل علاقه مفرط ایرانیان باستان به تربیت رادمردی و قهرمانی را می‌توان در وجود لغات متعدد برای قهرمانان و صفات قهرمانی در زبان پارسی مشاهده کرد کلماتی نظیر قهرمان، گو، گُرد، دلیر، دلاور، جوانمرد، آزاد، آزادمرد، راد، رادمرد، هژبر، نامور، اردشیر، نامبردار، نیو، نیوزاد، بهادر، آریا نامدار، پهلو، پهلوان، نبرده، شیرگیر، شیرمرد و... که دلیل واضحی بر صحت این مدعاست. (میرثی، ۱۳۴۹: ۱۵)

پروفسور آدلف راپ در کتاب خود موسوم به «مذهب و مراسم ایرانیان باستان»

۱. گرز شکرگزاری بعداً تبدیل به میل زورخانه شد.

۲. کمان آمادگی نیز به کباده تبدیل شد.

می‌نویسد: «چیزی که در دوره باستان از هر حیث جالب توجه است و روح معنوی ایرانیان را در زندگی اجتماعی آنان مجسم می‌نماید، روش آموزش و پرورش آنهاست. این آموزش و پرورش از کودکی در روح افراد منشأ احساسات کردار نیک گردیده و ایشان را در هر کار به شاهره ترقی رهنمون می‌شد و از ابتدا چنان نیروی روانی و بدنی آنان را مهیای کار می‌ساخت که افراد آن در آتیه به آسانی می‌توانستند منشأ خدمات شایانی شده و وظایف خود را در قبال وطن و ملت خود انجام دهند.»

گزنفون می‌گوید: «به جوانان پارسی از شانزده سالگی می‌آموزند که چگونه تیر و کمان و زوبین به کار ببرند. اگر ایرانیان شکار را ورزشی عمومی ساخته و با عملیات چابکانه با استادی از پی صید، تاخت و تاز می‌کنند بدان جهت است که هیچ وسیله‌ای را برای آماده شدن به جنگ بهتر و مناسبتر از ورزش شکار نمی‌دانند.» (پرتو بیضائی، ۱۳۳۷: ۳)

رسول خدا(ص) هم ده علامت برای جوانمرد برشمرده است: «راستگویی، وفای به عهد، ادای امانت، ترک دروغگویی، بخشودن بر یتیم، دست‌گیری مسائل، بخشیدن به آنچه رسیده است، بسیاری احسان، خواندن مهمان، سر همه آنها حیا است.» (موتاب، ۱۳۷۷: ۳۳)

عیاران در اواسط قرن اول هجری پدید آمدند. برخی از مورخان رشته اتصال آنها را دوران ساسانیان دانسته‌اند، این طبقه مردان شجاع و جوانمرد و از جان گذشته بوده و با اینکه طبق قرائن موجود به صفات اهل فتوت متصف بوده‌اند، لیکن کارشان شرکت در جنگ‌های بین این امیر و آن سردار بود؛ گاهی هم به راهزنی می‌پرداختند و رسوم عجیبی داشتند.

عیاران اعضای سابقه‌دار را، «پیر» و کم‌سابقه را «جوان» می‌گفتند و همه همدیگر را «یار» خطاب می‌کردند؛ مرکزی که در آنجا گرد می‌آمدند، بیت یا خانه می‌نامیدند و چند مرکز تجمع را حزب و چندین حزب را که از مراکز تجمع محدودی تشکیل می‌شد، احزاب می‌گفتند. عیاری با جوانمردی رابطه مستقیم داشت. عیاران همان جوانمردان بودند، منتهی عیار کسی بود که فتوت و جوانمردی را حرفه خویش قرار داده بود. از آنچه در باب راه و رسم عیاران در داستان‌های عامیانه و افسانه‌ها آمده است و

آنچه در تاریخ درباره کارهای قهرمانان عیاری مانند یعقوب لیث صفار^۱ ثبت شده است چنین برمی آید که ایشان مبارزه کردن در راه انتشار و اجرای اصول فتوت را هدف زندگی خود قرار داده بودند.» (انصاف پور، ۱۳۵۳: ۱۵۶)

آیین فتوت مدت‌ها قبل از زمان پارت‌ها بین پهلوانان و بزرگان مردم ایران وجود داشت. پس از اسلام هم گروهی به نام اهل فتوت به وجود آمدند، فتیان، شجاعت و سخاوت را شعار خود ساختند، بزرگواری را به مقامی رساندند که مال و دارایی را در حد فقر در راه یاران خود صرف کردند و با شعار جهاد «فی سبیل الله» برای کمک به هم‌نوعان خود کوشش نمودند. (کاظمینی، ۱۳۴۳: ۹۶)

عیاران و پهلوانان مخصوصاً ورزشکاران زورخانه‌ها، از ابتدای پیدایش فتوت و اخوت تا به امروز آن صفات را آیین خویش ساخته و همواره به کار بسته‌اند.

از اواخر دوره قاجاریه بنیاد اجتماعی زورخانه رو به دگرگونی نهاد و از آن پس شش دسته که از نظر بنیادهای اقتصادی فاقد قواعد اجتماعی قدیم بودند ولی تقریباً همان خصایص گروهی را داشتند به ورزش زورخانه مشغول شدند: ۱- کشتی گیران ۲- زورگران^۲ ۳- عیار نمایان ۴-



۱. هنگامیکه اعراب تسلط خود را بر ایران مستقر می‌کردند و با تمام قوا سعی می‌نمودند جشن‌های ملی ما را سرکوب نمایند و آداب و رسوم ملی ما را در خود حل نمایند یعقوب از میان عیاران برخاست و با اراده‌ای آهنین در همین ورزشخانه‌های زیر زمینی راه و رسم پیکار را به جوانان آموخت و ماهرانه جشنی برپا نمود که در تاریخ نظیر آن را کمتر می‌بینیم. در پناه همین نهضت به حکومت اعراب در ایران خاتمه داده شد و کشور عزیز ما به استقلال رسید. این دلاور سیستمی نمونه یک انسان کامل و برجسته به شمار می‌رود و الحق گرانبهاترین خدمات را به میهن و هم میهنان خود نمود و برای اعاده استقلال و تجدید عظمت ایران جان‌فشانی‌ها کرد. (میرئی، ۱۳۴۹: ۹۷)

۲. از زورخانه‌ها غیر از پهلوانان کشتی گیر و جنگاور یک گروه پهلوان هم برخاست که به آنها زورگر می‌گفتند.

ادامه صفحه بعد

شیرین‌کاران ۵- دارندگان مشاغل پردرآمد مثل اصناف ۶- سادات. هر کدام از این گروه‌ها با مقاصد خاص خود در زورخانه ورزش می‌کردند.

ورزش زورخانه‌ای در احیای نهضت ملی ایران بر ضد سیادت عرب و هم‌چنین در زمان استیلای مغول در شکست و نابودی آن قوم و نیز در رستاخیز زبان و فرهنگ فارسی و آیین فتوت و اخوت نقش مهمی ایفا کرده است. (میرئی، ۱۳۴۹: ۱۲۰ تا ۱۲۲) به طور کلی پهلوانان در تاریخ ایران به سه شکل یا کسوت به ظهور رسیده‌اند.

۱- پهلوانان کشتی‌گیر: مردم ایران از دیر باز به اهمیت ورزش، تربیت بدنی، شجاعت و به آموختن فنون جنگی واقف بوده‌اند.

در سنگ‌نشته‌هایی که از دو هزار و پانصد سال پیش در ایران به یادگار مانده است، داریوش کبیر ورزش و تربیت بدنی و پهلوانی و نیرومندی تن را ستایش کرده است. (کاظمینی، ۱۳۸۳: ۲۹۴)

۲- پهلوانان عیار: پهلوانی به صورت عیاری در دوره‌هایی پیدا شد که خارجیان بر ایران تسلط یافتند. در این دوران مثل زمان تسلط اعراب و بعداً مغول‌ها، پهلوانان ایرانی که دیگر نمی‌توانستند در ارتش بیگانه خدمت کنند و در مقابل حکام خارجی کشتی بگیرند؛ در کسوت جنگجویی غیر نظامی در بیابان‌ها به افراد دشمن شیخون می‌زدند و عیاران که موصوف به جوانمرد بودند، به یاری مظلومان و بینوایان و دستگیری از ستم‌دیدگان می‌پرداختند.

۳- پهلوانان شاطر: این کسوت از پهلوانی در رشته دوندگی بوده و شاطر در خدمت دولت انجام وظیفه می‌کرد و از قدیم در ایران در کنار زورخانه یک جایی هم برای شاطرخانه بود که علاقمندان فرزندان خود را از کودکی به آنجا می‌بردند تا تحت تعلیمات شاطر فنون دوندگی را بیاموزند.

زورگران معمولاً از تنومندترین ورزشکاران زورخانه‌ای بودند. وقتی در کار زورگری استاد می‌شدند به نمایش آن می‌پرداختند و اغلب زورگران را می‌توان دید که در این کار پابرجا مانده‌اند. (انصاف پور، ۱۳۵۳: ۸۳)

۱. سمک عیار یک نمونه از عیاران غیرتمند بود که نام او در تاریخ مبارزات جوانمردانه ایرانیان ثبت شده است.

اصطلاحات ورزش زورخانه‌ای

جوانمردی: جوانمردی یعنی رها شدن، رها کردن، یعنی عیار شدن و پهلوان بودن، شرط عیاری، پهلوانی، عرفان، تقوا و جوانمردی است.

جوانمردی یعنی فروتنی یعنی به بزرگتر احترام گذاشتن یعنی حرمت پدر و مادر را نگاه داشتن، یعنی مهمان‌نوازی، یعنی غریبه‌ای را پناه دادن، یعنی دست ناتوانی را گرفتن.

گر دست فتاده‌ای بگیری مردی

مردی نبود فتاده را پای زدن

(پوریای ولی)



سردم: سردم قهوه‌خانه و خانقاه جایی است که درویشان و قلندران گرد هم جمع می‌شدند یا محلی در زورخانه بود که مرشد آنجا می‌نشست و هماهنگ با حرکات ورزشکاران ضرب گرفته و آواز می‌خواند. (عمید، ۱۳۳۲: ۷۳۱)

علت وجود سردم در زورخانه ظاهراً به زمان رواج تصوف بازمی‌گردد. برخی نیز بر این باورند که مرشد با نشستن در چنین جایی می‌توانست به راحتی رسم

تشریفات و آداب و تعارفات زورخانه را در حق وارد و خارج شوندگان ادا کند. (همان: ۲۱۱ تا ۲۱۴)

سقف زورخانه: زورخانه دارای سقف گرد، تقریباً گنبدی، مانند مساجد و تکایا است و در بالاترین نقطه وسط گنبد برای تأمین روشنایی، پنجره شیشه‌ای کار گذاشته شده است که در حقیقت، حکمت ساختن آن، توجه ورزشکاران از قعر گود به آسمان بی‌پایان و تجسمی از وجود ذات بی‌نهایت باریتعالی است که تمام اعمال و حرکات ورزشکاران در داخل گود و زیر سقف زورخانه انجام می‌شود. (برزگر، ۱۳۵۰: ۲۰۹)

شیرین کاری: ماهرترین ورزشکاران باستانی کار را در تمام چشمه‌های میل‌بازی و در

انواع چرخ‌های تیز و یک تک پر، شیرین‌کار گویند. در میان بعضی از اشخاص باستانی کار شیرین‌کارهای چال حوضی^۱ هم بودند که عین همان عملیات پشتک و وارو را در زورخانه هم انجام می‌دادند. تا سی‌چهل سال پیش شیرین‌کارانی بودند که وقتی از چال حوض بیرون می‌آمدند فاصله میان حمام تا نزدیکترین زورخانه را که گاه بیش از یک کیلومتر بود در حال بالانس روی دست می‌رفتند.

بازوبند پهلوانی: بازوبند پهلوانی سابقه طولانی دارد و از قدیم‌الایام مخصوص پهلوانان پایتخت بوده است که پس از یک رشته مسابقات و پیروزی بر کلیه پهلوانان، با تشریفات به بازوی پهلوان بسته می‌شد.

کهنه سوار: امروزه در زورخانه به کسی مرشد می‌گویند که آوازی خوش دارد و راوی اندیشه‌های حماسی و انقلابی برای ورزشکاران و مشوق آنان به مردی و مردانگی و پهلوانی است.

مراتب ورزشکاران

تازه کار: کسی که ورزش را تازه شروع کرده و اطلاعات چندانی از ورزش باستانی ندارد.

نوجه: جوان، نوجوان، پهلوان کوچک و ورزشکاری که ورزش‌های باستانی را زیر نظر پهلوان بزرگ انجام می‌داد. (عمید، ۱۳۳۲: ۱۱۷۳)

نوخاسته: معمولاً بین نوجه‌های یک پهلوان، یکی یا تعدادی، بر دیگران برتری می‌یافتند و در شیرین‌کاری و فنون دیگر زورخانه، خود را نشان می‌دادند و در بین مردم اسم و رسمی پیدا می‌کردند، حتی گاهی نوخاسته‌ها می‌توانستند با پهلوانان بزرگ روبه‌رو شوند.

ساخته: به کسانی می‌گفتند که با ورزش، بدن خود را از شکل عادی در آورده و صاحب بازو و ماهیچه‌های ورزیده و یال و کویال می‌شدند. (انصاف‌پور، ۱۳۵۳: ۲۴۷)

۱. این شیرین‌کارها، عملیات آکروباتیک و پشتک و وارو را در برخی اماکن انجام می‌دادند، پاتوق ایشان در حمام بزرگ شهر بوده و اصطلاح چال حوض نیز از چال حوض حمام گرفته شده است.

پیش کسوت: کسی که در زورخانه و کارهای ورزشی از دیگران سابقه‌دارتر می‌باشد. (عمید، ۱۳۳۲: ۳۵۷)

پهلوان: کلمه پهلوان از لغت پهلوی گرفته شده و از قوم پارت بوده است و در زورخانه، عالی‌ترین مقامی است که ورزشکار به آن دست می‌یابد. پهلوان باید تمام مراحل قبلی را پشت سر بگذارد و در تمامی فنون باستانی سرآمد باشد. برخلاف پهلوانان واقعی و نامدار، دسته‌ای از ورزشکاران در زورخانه یافت می‌شدند که علی‌رغم داشتن هیکل درشت، فاقد هر گونه هنر ورزشی بوده و شجاعتی هم نداشتند که به آنها «پهلوان پنبه» گفته می‌شد. (پرتو بیضایی، ۱۳۳۷: ۴۱)

پیش قدم: این عنوان مترادف پیش کسوت است و از اصطلاحات فتیان می‌باشد که اعراب آن را، کبیر، شیخ، مقدم و قائد می‌گویند و فارسی زبانان آن را تبدیل به قدم کرده‌اند، یعنی کسی که در کار خیر پیش قدم است. (همان: ۴۲)

صاحب زنگ: پهلوانی است که مرشد موقع ورود و خروج او زنگ را به صدا در می‌آورد. برای رسیدن به چنین عنوانی ورزشکار باید مدارج ورزشی را در تمام رشته‌ها شامل چرخ، کباده، بالا و پایین رفتن از گود و دست یافتن به پهلوانی طی کرده باشد. البته برای سادات، مخصوصاً کسانی که کمالات علوم و فنون ورزشی را طی کرده‌اند نیز زنگ نواخته می‌شود.

صاحب ضرب: مرتبه صاحب ضربی که همزمان زنگ و ضرب و صلوات را شامل می‌شود، به افراد خاصی اختصاص دارد که جوانمرد بوده و در فنون ورزشی سرآمد هستند.

صاحب تاج: مقصود پهلوانی است که بعد از حصول به مقام پهلوانی مجاز به استعمال تاج فقر^۱ می‌شود.

۱. لقبی برای پهلوان پهلوانان می‌باشد.

آیین‌های زورخانه‌ای

گل‌کشتی: اشعاری است که مرشد قبل از شروع کشتی برای تهییج کشتی‌گیران و تحریک روح فتوت و جوانمردی ورزشکاران زورخانه می‌خواند:

چندی به شرابخانه رفتم	دیدم که به پای خم درنگ است
چندی به قمارخانه رفتم	دیدم که به پای آس جنگ است
چندی به قلندران نشستم	دیدم که حساب چرس و بنگ است
پیر خردم به گوش گفتم	این‌ها همه صحبت جفنگ است
برخیز و برو به زورخانه	آنجا که حساب میل و سنگ است
آواز نی و صوتِ تنبور	کباده و تخته شلنگ است

(میرنجات اصفهانی)

ارزشمندترین گل‌کشتی‌ها توسط میرنجات سروده شده و در حال حاضر نیز در ابتدای مسابقات کشتی پهلوانی قرائت می‌شود.

ضرب‌گرفتن در زورخانه: ضرب زورخانه تنبک بزرگی است که از گل پخته در کارگاه‌های کوزه‌گری ساخته می‌شود، پوست آن هم مانند سایر ضرب‌ها از پوست آهو و امثال آن می‌باشد؛ فقط با دست نواخته می‌شود و از کارهای بسیار دشوار به شمار می‌آید.

کف دست‌های ضرب‌گیر^۱ پینه سختی می‌بندد و سابقاً مرشدها انگشتانه‌ای داشتند که به هنگام کار با تنبک غیر از انگشت ابهام به سایر انگشت‌های خود می‌بستند و طول آن به قدری بود که بند اول انگشت را می‌پوشاند و جلوی درد گرفتن پوست سر انگشت را می‌گرفت.

زنگ کر شدن: هر پهلوانی که به عللی از اعتبار سابق خود بیفتد می‌گویند زنگ فلانی کر شده یعنی دیگر برای او زنگ نمی‌زنند. (انصاف‌پور، ۱۳۵۳: ۲۴۴)

۱. ضرب‌گیر همان مرشد یا زننده تنبک می‌باشد که جایگاه او در سردم است؛ برای گرم کردن تنبک نیز از یک بخاری برقی یا وسیله حرارتی دیگر استفاده می‌نمایند که در روی سردم قرار می‌گیرد.

زنگ حیدری: این زنگ را پهلوانان قَدَر^۱ به بازو می‌بستند، در داستان حسین کُرد^۲ که منصوب به دوره صفویه است می‌بینیم که هر گاه حسین کرد وارد شهر می‌شد زنگ حیدری به کمر داشت. همچنین در دوره صفویه شاطران پس از رسیدن به مقام قهرمانی و استادی در این فن به بازوها یا کمر خود زنگ حیدری می‌بستند؛ از آنجا که زنگ نشانه پهلوانی بوده و حرکت پهلوانان با صدای زنگ مشخص می‌شد در زورخانه ورود پهلوانان با صدای زنگ مشخص می‌گردید. (آتش‌سخن، ۱۳۸۳: ۲۸)

زنگ سردم: به طور کلی بستن زنگ و استفاده از آن در زندگی اجتماعی کشور ایران، برای قدرت‌نمایی بود و طبعاً هر جا زنگی می‌آویختند زنجیری هم بود. بر اساس همین رویه، زنگ و زنجیر وارد سردم‌ها نیز شده و سپس به اماکن مقدسه هم راه یافته است چنانچه در مدخل صحن بعضی از امامزاده‌ها زنجیر مثلثی شکلی آویخته شده است.

مراسم زورخانه‌ها

مراسم پا بازکردن: یکی از مراسمی که در زورخانه‌ها وجود دارد مراسم پاگشایی یا پا بازکردن است. به این معنا که اگر شخصی از نزدیکان یک پهلوان یا ورزشکار به رحمت خدا برود آن ورزشکار چند روزی به خاطر مصیبت وارده در منزل می‌ماند، در این مدت ورزشکاران براساس هماهنگی با مرشدین و پیش‌کسوتان چند بار برای عرض تسلیت به منزل صاحب عزا می‌روند. پس از یک هفته مرشد و سایر ورزشکاران زورخانه طی مراسمی آن ورزشکار را به زورخانه می‌برند. در این مراسم مرشد ابیات و قطعاتی را می‌خواند، از ضرب و زنگ استفاده می‌کند و مراحل مختلف ورزش باستانی با حضور تعدادی از ورزشکاران در گود انجام می‌شود، البته یک نفر به عنوان سخنگو در ابتدا و انتهای مراسم احساسات خود و سایرین را به حضور صاحب عزا ابراز می‌نماید.

۱. قدر یعنی قدرت اول، معمولاً پهلوانی که در تمام مسابقات پیروز می‌شد، قدر نام داشت.

۲. پهلوان قدرتمند و با معرفت شبستری که همیشه به داد مظلومان می‌رسید و ظالمان از دست او راحت نبودند.

مراسم سفره‌داری: یکی از مراسمی که ابهت و عظمت ورزشکاران و پیش‌کسوتان را نشان می‌دهد، مراسم سفره‌داری است که معمولاً افراد متمکن، ورزشکاران را به شام یا ناهار دعوت می‌نمایند یا در مراسم عزاداری سالار شهیدان و مراسم دیگر به اطعام نیازمندان می‌پردازند. کسانی که سفر می‌کنند و جا و مکان خاصی ندارند، مهمان سفره‌داران می‌شوند و حتی به منزل سفره‌داران می‌روند و چند روزی را میهمان ایشان می‌شوند. (مافی، ۱۳۸۷: ۶)

سنت سفره‌داری یکی از سنت‌های معروف ورزشکاران باستانی کار است. نوعی سوردادن و اطعام است. این سنت ریشه مذهبی دارد، چرا که اطعام به مؤمنان از صفات پیامبر اسلام (ص) است. البته سفره‌داری به معنای آن نیست که همه ورزشکاران باید مانند یکدیگر و به صورت گسترده این کار را انجام دهند، بلکه سفره‌داری بستگی به بضاعت و امکانات مالی هر ورزشکار دارد. به همین دلیل اگر ورزشکار توانگر و دارایی، این کار را نکند، اصطلاحاً می‌گویند فلانی «سفره دار» نیست.

مراسم گلریزان: یکی از مراسم نیکوکارانه زورخانه که حاکی از صفا و صمیمیت و دوستی بین ورزشکاران و نشانه کرامت و سخاوت است مراسم گلریزان می‌باشد. مراسم گلریزان در روزهای جمعه یا مناسبت‌های مذهبی (اعیاد) برگزار می‌شود و فقط کسانی که دعوت شده‌اند به زورخانه می‌آیند. در کنار گود، میز و صندلی می‌چینند و بر روی میزها میوه و شیرینی می‌گذارند.

گلریزان در مواقعی انجام می‌گیرد که یکی از ورزشکاران ورشکست شده یا به نحوی دچار ضعف مالی گردد، یا ورزشکاری از زندان آزاد شود یا برای کمک مالی به مدیر باشگاه یا مرشد انجام شود. منظور از اجرای این مراسم جمع‌آوری پول برای ورزشکار یا مرشد مورد نظر می‌باشد.

در مراسم ورزش‌های باستانی و زورخانه‌ای ما شاهد اثرات و نتایجی هستیم که آداب این ورزش یا ورزش‌های دیگر بر قسمت‌های مختلف جامعه می‌گذارد، مثلاً در مراسم گلریزان که هدایایی به فرد نیازمند اعطا می‌شود، این کار علاوه بر تأمین نیاز افراد، به ایجاد همبستگی اجتماعی منجر می‌شود، یعنی هدیه و بخشش اثری ملموس در زندگی اجتماعی دارد. (توسلی، ۱۳۷۰: ۲۱۶)

در گذشته گلریزان در ماه مبارک رمضان و در اعیاد ملی و مذهبی هم انجام می‌شد. کسی که مشکلاتی داشت، از طریق ورزشکاران گلریزان می‌شد یا اگر می‌خواست ازدواج کند یا دختر شوهر دهد از طریق گلریزان بخشی از مشکلاتش برطرف می‌شد. در گلریزان دوازده یا چهارده چراغ به اسم دوازده امام یا چهارده معصوم روشن می‌شود. میدان‌دار می‌گوید: «چراغ اول را چه کسی روشن می‌کند»، کسانی پول می‌دهند بعد می‌گوید: «چراغ دوم امام حسن مجتبی (ع) را چه کسی روشن می‌کند» و تا چراغ دوازده که برای مستمندان و چراغ سیزده یا چهارده هم برای هزینه‌های زورخانه می‌باشد.

حتی برای بخشیدن دبه، وقتی که مرشدین زورخانه‌ها به منزل اولیای دم می‌روند و از ایشان طلب بخشش می‌کنند، به ندرت دیده شده که روی آنها زمین انداخته شود.



وسایل زورخانه

میل: در گذشته برای تمرین گرزکوبی به دشمنان به کار می‌رفت.

کباده: برای تمرین در توانایی زه‌افکنی و کمان‌کشی و تیراندازی به کار می‌رفت.

سنگ: برای تمرین سپرکشی و سپرکوبی بود.

زنگ: زنگ زورخانه مثل کلاه‌خودی بود که بر سر می‌گذاشتند تا از ضربه اشرار در امان باشند.

ضرب: همان مارش جنگ بود، چون در قدیم با نواختن طبل، جنگ آغاز می‌شد تا

۱. در ایام عزاداری امام حسین (ع) و شهادت مولا علی (ع) در زورخانه‌ها زنگ به صدا در نمی‌آید و روی آن پارچه‌ای مشکی به نشانه عزاداری کشیده می‌شود، حتی در بعضی از زورخانه‌ها ضرب نیز نواخته نشده و از عبارت علی و الله در اشعار و عبارات دسته جمعی استفاده می‌شود.

هر دو سپاه از آغاز جنگ مطلع شوند. امروزه نواختن زنگ به عهده کسی است که او را مرشد می‌خوانند اما سابقاً بر عهده کهنه سوار بود. کهنه سوارها مرشدهایی بودند که مسئولیت تعلیم امور ورزشی را به جوانان بر عهده داشتند. در واقع مربی، گرداننده، هدایت کننده و مداح اهل بیت هم بود و خصوصیات پهلوانی داشت. (اژدری خواه، ۱۳۸۶: ۳۳۶ - ۳۳۷)

ترتیب عملیات در ورزش زورخانه‌ای

۱. سنگ گرفتن^۱: قبل از ورود به گود، سنگ می‌گیرند و سنگ هم مثل سپر سربازان دوران باستان است. (www.wikipedia.com)
۲. شنا رفتن: با تخته شنا که از کنار گود بر می‌دارند شروع می‌شود (ابتدا بزرگترها تخته را برمی‌دارند و بعد کوچکترها) و انواع مختلفی دارد: شنای سرنوازی، شنای کرسی، شنای کشیده، شنای پیچ.



۳. میل بازی: نوعی شیرین‌کاری به حساب می‌آید و معمولاً با میل‌های کوچک و سبک در وسط گود انجام می‌شود. این میل‌ها به هوا پرتاب شده و گرفته می‌شوند و هنرنمایی و شیرین‌کاری با میل را چشمه می‌گویند.

۱. گروهی از پیش‌کسوتان معتقدند که قبل از سنگ‌گیری باید نرمش کرد و بدن را گرم نمود.

۴. میل گرفتن: ورزشی است دسته جمعی که با میل‌های بزرگ و سنگین انجام می‌شود. سه نوع میل گرفتن وجود دارد: میل‌گیری سنگین، میل‌گیری چکشی، میل‌گیری جفتی.

۵. چرخ: پس از میل بازی و میل گرفتن نوبت به اجرای یکی از هنرمندانه‌ترین ورزش‌های زورخانه‌ای به نام چرخ می‌رسد. دلیل اهمیت دادن به چرخ نزد ورزشکاران قدیم این بود که آمادگی لازم را به جنگ‌آوران می‌بخشید تا در میدان جنگ دچار سرگیجه نشوند و بتوانند به خوبی به هر سو بچرخند و با حریف نبرد کنند. چرخیدن در گود از کوچکترین فرد شروع می‌شود و با پیش‌کسوت یا میاندار پایان می‌یابد. البته به خاطر احترام به سادات، ایشان معمولاً در پایان می‌چرخند. انواع چرخ عبارتند از:

الف) چرخ ساده: در وسط گود، دست‌ها از هر دو طرف باز می‌شود و فرد به دور خودش می‌چرخد و پای راست ستون محور بدن است.

ب) چرخ چمنی یا چرخ چکشی: تقریباً مثل چرخ ساده است با این تفاوت که پنجه پای چپ در هر بار چرخش، با قدرت بیشتری به زمین زده می‌شود و در همان حال بدن با جهش کوتاهی از زمین بلند می‌شود. سرعت چرخ چمنی در تمام مدت یکسان است.

پ) چرخ تیز: در این نوع چرخیدن، دست‌ها را از دو طرف کاملاً کشیده و صاف می‌کنند و کف دست‌ها به صورت باز و رو به زمین قرار می‌گیرد.

ت) چرخ تک‌فر، دو‌فر، سه‌فر: در چرخ تک‌فر، ورزشکار به هوا می‌پرد و ضمن پریدن یک چرخ کامل در هوا به دور خود می‌زند و دوباره به جای خود باز می‌گردد و این کار را چند بار انجام می‌دهد. چرخ دو‌فر یا سه‌فر نیز عبارتست از دو یا سه چرخ پیاپی که پس از یک مکث کوتاه، بار دیگر همان حرکات تکرار می‌شود.

ث) چرخ جنگلی: ترکیبی از چرخ ساده و پای جنگلی است؛ چرخ جنگلی به طور منظم در کناره‌ها و اطراف گود به اجرا درآمده و به آهستگی و هنرمندانه ادامه می‌یابد.

۶. پازدن: بعد از چرخ نوبت پازدن است که میاندار به وسط گود آمده و بقیه ورزشکاران برای هماهنگی دور او حلقه می‌زنند. پا زدن چهار مرحله دارد: اول پای چپ و راست، دوم پای جنگلی، سوم پای تبریزی، چهارم پای آخر.

۷. کباده زدن یا کباده کشیدن: کباده در زبان فارسی قدیم به معنای کمان نرم بود که برای تمرین کمان‌کشی به کار می‌رفت. اما در زورخانه، کباده به وسیله‌ای فلزی گفته می‌شود که شکلی مانند کمان جنگجویان قدیم را دارد. معمولاً کباده را به سه طریق می‌کشند: یک طرفه، دو طرفه، رو به رو.

۸. مشتمال: وقتی که ورزشکاران از گود بالا می‌آیند شخصی به نام مشتمال‌چی عضلات و مفصل‌های آنها را مشتمال می‌دهد یا خود ورزشکاران با هم همکاری کرده و به نوبت یکدیگر را مشتمال می‌دهند.

۹. دعا و نیایش: مراسم زورخانه با مراسم دعا و نیایش خاتمه می‌پذیرد و رسم بر این است که در پایان ورزش، مرشد می‌گوید: «اول و آخر همه مردان عالم به خیر» و به زنگ ضربه‌ای می‌زند و ضرب را کنار می‌گذارد.

اشعار سرنوازی

از جمله اشعاری که در شروع کار ورزش باستانی توسط مرشد برای ورزشکاران خوانده می‌شود، اشعار سرنوازی است. مرشد قرائت اشعار را با نواختن ضرب به عهده دارد. معمولاً اشعاری که در زورخانه قرائت می‌شود، به صورت شفاهی از مرشدی به مرشد دیگر منتقل شده و به صورت مکتوب نمی‌باشد.

اشعار زورخانه از دیوان اشعار شاعران بزرگی چون فردوسی، حافظ، سعدی، مولانا، ناصر خسرو، باباطاهر و... اقتباس می‌شود. اشعار پوریای ولی که حق پهلوانی را به جا آورده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. شروع ورزش باستانی در زورخانه با اشعار سرنوازی آغاز می‌شود. به طور نمونه:

گر بر سر نفس خود امیری مردی و بر دگری خرده‌نگیری مردی
مردی نبود فتاده را پای زدن گر دست فتاده‌ای بگیری مردی

گر مرد رهی نظر به ره باید داشت خود را نگه از کنار چه باید داشت
در خانه دوستان چو گشتی محرم دست و دل و دیده را نگه باید داشت

پوشش ورزشکاران

پوششی که برای ورزشکاران داخل گود وجود دارد عبارت است از تنکه یا نُطعی یا شلوار کوتاه، لنگ، جلیقه مرشد.

ورزشکاران پیش از ورود به گود مقدس باید لباس مخصوص این ورزش را بپوشند. این لباس معمولاً یک شلوار کوتاه تا زانو است که از چرم یا پارچه محکم دوخته می‌شود و روی آن را به طرزی زیبا قلابدوزی می‌کنند. اگر ورزشکار شلوار کوتاه نپوشد، از لنگ استفاده می‌کند. لنگ معمولاً به کمر بسته می‌شود و وسط آن از میان پا با گره به کمر محکم می‌شود.

جمع‌بندی

زورخانه‌ها از دو منظر نگریسته شده‌اند یکی ساختار درونی و دیگری ساختار بیرونی آن. در ساختار درونی؛ معماری زورخانه، سلسله مراتب، واژگان و اصطلاحات و آداب و رسوم ورزش باستانی و ابزارهای زورخانه‌ای و در ساختار بیرونی نقش و کارکرد اجتماعی و فرهنگی زورخانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای بازسازی و کارآمد نمودن نقش و کارکرد نهاد زورخانه و زمینه‌سازی برای فراملی کردن آن باید روند کنونی زورخانه‌ها را متحول کرد و ظرفیت و توان پذیرش دگرگونی در ساختار درونی و بیرونی آن را بالا برد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. اژدری‌خواه، سیدفخرالدین (۱۳۸۶) *تاریخ پهلوانی و زورخانه‌ای فارس*، قم: انتشارات محسن.
۲. اصفهانی، میرنجات (بی‌تا) *مثنوی گل‌کشتی*، بی‌جا.
۳. انصاف‌پور، غلامرضا (۱۳۵۳) *تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های اجتماعی زورخانه‌رو*، تهران: نشر وزارت فرهنگ و هنر، مرکز مردم‌شناسی ایران.
۴. برزگر، فرامرز (۱۳۵۰) *تاریخ ورزش ایران*، تهران: انتشارات سازمان تربیت بدنی.
۵. پرتو بیضایی، حسین (۱۳۳۷) *تاریخ ورزش باستانی ایران*، تهران: ناشر مؤلف.
۶. توسلی، عباسعلی (۱۳۷۰) *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، چ ۲، تهران: انتشارات سمت.
۷. عمید، حسن (۱۳۳۲) *فرهنگ فارسی عمید*، چ ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸. کاظمینی، کاظم (۱۳۴۳) *نقش پهلوانی و نهضت عیاری در تاریخ اجتماعی و حیات سیاسی ملت ایران*، تهران: انتشارات بانک ملی.
۹. کاظمینی، کاظم (۱۳۸۳) *گستره ورزش‌های ملی ایران*، قم: انتشارات محسن.
۱۰. موتاب، احمد (۱۳۷۷) *آیین فتوت و جوانمردی و پهلوانی آذربایجان*، تبریز: نشر هاتف.
۱۱. میرئی، حسن (۱۳۴۹) *آیین پهلوان‌نما*، تهران: نشر میهن.

ب) مقالات

۱. مافی، محمدباقر (۱۳۸۷) «سفره داری یکی از سنت‌های معروف»، *هفته نامه رخصت پهلوان در گود مقدس پهلوانی*، سال یازدهم، دوره جدید، ش ۴۳۲.

ج) پایان‌نامه‌ها

۱. آتش سخن، بنفشه (۱۳۸۳) «بررسی بسترهای اجتماعی شکل‌گیری زورخانه‌ها با نگاه مردم‌شناسی در شهر سمنان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مردم‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

د) پایگاه‌های اینترنتی

www.wikipedia.com

با موضوع ورزش باستانی

